

آنسوی نقاب

(جلد سوم)

مؤلف:

روح الله امین آبادی

انتشارات درک نو

سرشناسه	: امین آبادی، روح الله، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: آن سوی نقاب / مؤلف روح الله امین آبادی.
مشخصات نشر	: تهران: درک نو، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۴ ج.
فروست	: فراسوی غبار: ۲، ۳، ۴، ۵.
شابک	: ۲۲۰۰ ریال : ج. ۱: ۵-۰۱-۶۳۶۵-۶۰۰-۹۷۸.
	: ۴۰۰۰۰ ریال : ج. ۲: ۲-۰۲-۶۳۶۵-۶۰۰-۹۷۸.
	: ۳۸۰۰۰ ریال : ج. ۳: ۹-۰۳-۶۳۶۵-۶۰۰-۹۷۸.
	: ۴۰۰۰۰ ریال : ج. ۴: ۶-۰۴-۶۳۶۵-۶۰۰-۹۷۸.
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: این کتاب با حمایت مادی و معنوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
موضوع	: روسای جمهور -- ایران -- انتخابات -- ۱۳۸۸.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸ -- جنبش سبز.
شناسه افزوده	: ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت فرهنگی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ / ج. ۱ / DSR1۵۹۹
رده بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۰۸۴۴ / ۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۲۸۱۰۷

آنسوی نقاب

(جلد سوم)

مؤلف: روح الله امین آبادی

ویراستار: واحد ویرایش انتشارات درک نو

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

طراح جلد: امین جعفری

صفحه آرا: منیژه فاتحی

چاپ: عترت - صحافی: تندیس - لیتوگرافی: نویس

تیراژ: ۴۱۰۰ نسخه

بها: ۳۸۰۰۰ ریال

شابک: ۹-۰۳-۶۳۶۵-۶۰۰-۹۷۸

© حق چاپ: ۱۳۹۰، انتشارات درک نو

این کتاب با حمایت مادی و معنوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است

«باید جوانهای ما عمامه اینها را بردارند. عمامه این آخوندهایی که به نام فقهای اسلام، به اسم علمای اسلام، این طور مفسده در جامعه مسلمان ایجاد می کنند باید برداشته شوند. من نمی دانم جوانهای ما در ایران مرده اند؟ کجا هستند؟ ما که بودیم این طور نبود؟ چرا عمامه ها ی اینها را بر نمی دارند؟ من نمی گویم بکشند؛ اینها قابل کشتن نیستند؛ لکن عمامه از سرشان بردارند. مردم موظف هستند، جوانهای غیور ما در ایران موظف هستند که نگذارند این آخوندها (جل جلاله گوها) معمم در جوامع ظاهر شوند و با عمامه در بین مردم بیایند.» (امام خمینی (ره) - ولایت فقه - ج ۱ - ص ۱۴۸ - ۱۴۹)

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۳	 آیت الله منتظری
۵۹	 شیخ یوسف صانعی
۸۱	 اسلام الله بیات
۹۳	 محمد موسوی خورنینی ها
۱۱۹	 علی محمد دستغیب
۱۳۵	 علی احمد بخشش پور
۱۴۹	 هادی غفاری

مقدمه

بیش از دو سال از حمله تاریخی و در عین حال تلخ ۲۲ خرداد می‌گذرد، این ۲ سال و حوادثی که در تاریخ این مرز و بوم ماند و ثبت شد به خوبی سخن آن حکیم فرزانه را اثبات کرد که «بشتیان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد».

فتنه در شبانگاه ۲۲ خرداد و با سخنان از پیش نوشته شده میرحسین موسوی فاز عملی خود را به صورت جدی شروع کرد و در روز قدس، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و عاشورا با هدایت اصحاب فتنه بر جسارت خود افزود. حماسه به یادماندنی و تاریخی ۹ دی فتنه‌گران را در اعماق رو برده و يوم الله ۲۲ بهمن سرنوشت مختوم مرگ خفت بار را برای آن رقم زد.

۸ ماه نبرد حزب الله با اصحاب فتنه در خیابان های تهران نشان داد که دیگر دوران شاگردان مکتب ماکیاوولی به سر رسیده است و این مکتب انبیا است که با عزت به راه خود تا رسیدن به قله کمال در حکومت نجبی آخرالزمان مهدی موعود (عج) ادامه خواهد داد. انتخابات خرداد ۸۸ اگر چه با حوادث تلخ بعد از آن در کام ملت تلخ شد ولی به مصداق آیه مبارکه «و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم و الله

یعلم و انتم لا تعلمون»^۱ نتایج گراهنهای فراوانی برای مردم و نظام اسلامی به همراه آورد و کید دشمنان را نیز به خودشان بازگرداند.

۱- اولین نتیجه ارزشمند این انتخابات را می توان مشخص شدن چهره منافقانی دانست که چهره در لباس قانون گرایی، ولایت پذیری و خط امام پنهان کرده بودند و حوادث بعد از انتخابات چهره این دسته را به خوبی برای ملت عیان کرد.

۲- در این انتخابات دوران شاهزاده گرایی و یا به عبارت دقیق تر دوران استدلال های منتهی به شرافت ذاتی آقا زادگی به پایان رسید. مردم در طول هشت ماه دفاع مقدس از ۲۲ خرداد ۸۸ تا ۲۲ بهمن همان سال به سران و اصحاب فتنه نشان دادند که اگر در طول انقلاب کسانی زحمت کشیدند، زندان رفتند و شکنجه شدند دلیلی نمی شود فرزندان آنان از امتیازات ویژه ای در نظام اسلامی برخوردار باشند. ضرب المثل معروف را همه شنیده ایم که «گیرم که پدر ادیب و فاضل، از پدر پدر تو را چه حاصل» فرزند انقلابی سابق و لاحق، شهید، عالم و عارف و... هیچ کدام دلیلی برای حرکت در مدار خلاف قانون نیست.

۳- انتخابات دهم دوران افتخار به گذشته انقلابی و در عین حال تیشه زدن به ریشه انقلاب را به پایان رساند. در این برهه حساس از تاریخ انقلاب کسانی چون طلحه و زبیر به سابقه انقلابی خویش غرور شده و چونان طلبکاری که بدهی وی پرداخت نشده است با انقلاب برخورد کردند. این انقلاب و نظام اسلامی نیست که به افراد و گروه ها بدهکاری دارد بلکه همه بدهکار انقلاب و نظام هستند و برای سرافرازی آن بایستی از جان مایه بگذارند.

۴- خط امام را باید جدا از منتسبان به امام بررسی کرد. مهمترین عضو خانواده امام خود حضرت روح الله بوده و ارزش و اعتبار دیگران به اندازه

نزدیکی عقیدتی با آن عزیز به عرش سفر کرده است نه انتساب فامیلی که اگر این گونه بود سید حسین خمینی (ره) یار و غمخوار دیرین و امروز ضد انقلاب نیز بایستی از خط و راه امام سخن می گفت.

سید احمد خمینی، یادگار حضرت امام (ره) در نشستی مطبوعاتی که در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۰ برگزار شد با اشاره به نسبت خود و خانواده حضرت امام با ایشان، علت توجه به این خانواده را همین امر و نه ویژگی های شخصی دانسته اند. ایشان در این زمینه چنین گفته است: «ما منسوبین حضرت امام باید توجه داشته باشیم که فقط به علت نزدیکی با ایشان است که با ما مصاحبه می شود و یا به ما احترام می شود. و الا خود ما که چیزی نیستیم و ویژگی هایی نداریم. نه زندان رفته ایم و نه شکنجه شده ایم. و نه در فلسفه غرب و شرق اهل نظریم و نه در فقه و اصول، مجتهد. نه ادیب ایم و نه منطقی. فقط و فقط منسوب امامیم. پس باید دقیقاً توجه کنیم که اگر امام نبودند هرگز کسی ما را بدان صورت نمی شناخت تا با ما مصاحبه کند پس من من نکنیم که هیچیم.»

۵- تقسیم خواص به عمارها، خواص بی بصیرت و نیز سران فتنه به خوبی مشخص کرد که دیگر دوران تک روی گذشته است و ملت هرکس را در هر جایگاه و مقامی که باشد با آن ارزش ذاتی که همانا همیاری و همگامی با ولایت مطلقه فقیه می باشد خواهند سنجید. اگر کسی درست در خلاف جهت منویات رهبر عزیز انقلاب گام بردارد خواه یا ناخواه فتنه گر است و اگر هدایت فتنه را بر عهده بگیرد چون موسوی و کروبی از سران داخلی فتنه محسوب خواهد شد.

نخبه بودن در جامعه اسلامی به خودی خود ارزش ذاتی ندارد. نخبه ای که عمار نباشد ارزشی ندارد. عمار یاسر نیز نخبه بود و عمرو عاص

هم نخبه. یکی بصیر بود و همراه مولای متقیان و دیگری فتنه گر و همراه راس فتنه. نخبه ساکت نخبه بی بصیرت است. کسی که از همراهی با مولای سرباز می زند و در عین حال نیز این گونه می پندارد که به دشمن نیز یاری نمی رساند در بهترین حالت بی بصیرت محسوب می شود اگر نفوذی نباشد چرا که دشمن در دسته نخبگان در درجه اول به دنبال کسانی است که به صورت فعال اهداف آنان را دنبال کند و در درجه دوم کسانی از زعمای قوم که ساکت باشند و از امام حق در مقابل فتنه به وجود آمده حمایت نکنند تا مردم دچار این شبهه شوند که اگر حق با نظام اسلامی است چرا زعمای ملت ساکتند و چیزی نمی گویند؟!

در تاریخ اسلام خوانده ایم که کسانی با بهانه های واهی ندای هل من ناصر یصرنی امام مظلوم را می پاسخ گذاشتند و در خیمه خود به عبادت مشغول شدند آنان می پنداشتند که جنگ و دعوا بر سر سر این است که یک نفر از بنی هاشم و یا بنی امیه در رای قدرت قرار گیرد و به عبارتی دیگر دعوا بر لحاف ملاست و چه بی بصیرت و نادان بودند این عده که جز نوک بینی خود را ندیدند و آینده سومی که جهان اسلام را در آینده دچار می کرد ندیدند و آن شد که نباید می شد.

۶- در راس قدرت بودن و یا بر قدرت بودن نشان دهنده حقانیت و یا بطلان کسی نیست. در اوج حوادث بعد از انتخابات اصحاب فتنه استدلال می کردند برای دیدن حق و شناخت باطل ببینید چه کسانی در راس قدرتند و رسانه در اختیار آنان است و قدرت نظامی و اقتصادی و... در جهت اهداف آنان قرار گرفته است و چه کسانی از این مولفه ها بی بهره اند و مظلومانه! در حال مبارزه هستند... این عده در استدلال خود دچار دو مغالطه بزرگ شده اند. یک مغالطه دروغ و دیگری مغالطه عدم تشخیص منبع حق! اول آن که سران استکباری دنیا میلیون ها دلار سرمایه برای پیروزی کودتای مخملی در ایران هزینه کرده و حتی سفارتخانه های دول متخاصم در ایران

خود مستقیماً وارد کارزار شدند ولی این سنت الهی است که مکر دشمنان به خود آنان بازگردد. از سویی دیگر اگر در راس قدرت بودن نشان بطلان یک مرام و عقیده باشد مولای متقیان در جنگ با خوارج در جبهه باطل قرار داشت چرا که از نظر نظامی و اقتصادی و... بر آنان برتری و سیطره داشت و اگر در اقلیت بودن نشان بطلان یک عقیده باشد سید الشهداء در کربلا در جبهه باطل قرار داشت! و حق نه آن است و نه این بلکه حق با کسی است که در راه حق قدم بر می دارد و الحق مع علی و علی مع الحق. این نوشتار جلد سوم از مجموعه کتاب هایی است که به زندگی و فعالیت های تاثیرگذاران در قه ۸۸ می پردازد. نویسنده در این کتاب با توجه به فرصت اندکی که در اختیار داشته و نیز با توجه به منابع موجود تلاش کرده است که چیزی را از قلم نیندازد ولی بی شک نوشتار حاضر در بسیاری از جهات ناقص بوده و نمی تواند مدعی شود که بی عیب و حاوی تمامی اطلاعات لازم در زمینه اصحاب قه و فعالیت های آنان در طول سالیان اخیر می باشد. بی شک نقد و نظر درستان می تواند در تصحیح و ویرایش این نوشتار مفید واقع گردد.